

A Critical Analysis of the Relationship between Action and its Reward in the Afterlife from the Point of View of the Qur'an Commentators; with an Emphasis on Contemporary Interpretations

Kavoos Roohi Berandagh 

Associate Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Sahar Sadri *

Ph.D. in Quranic and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Ali Hajikhani 

Associate Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Abstract

The topics related to life after death are among the most complex theological topics, and one of these topics is the quality of reward for actions in life after death. The current research - using the library method in collecting information and the descriptive-analytical method in classifying data and the critical method in evaluating the views - has come to the conclusion that the commentators have presented five opinions about the quality of the hereafter reward. These views are 1) the manifestation of the book of deeds, not the deeds themselves, 2) seeing the punishment of the deeds, 3) the manifestation of the deeds themselves and good and bad morals, 4) the destruction of the worldly form and the manifestation of the afterlife form of actions, 5) the emergence of a real relationship between actions and rewards. This research evaluates these five points of view and in a novel discussion, identifies thirteen categories of Quranic verses in the framework of the research problem and analyzes the above five points of view with thirteen categories of verses and shows them in the end. The combination of Sadra's and Allameh Tabatabai's views is the correct answer to the research

* Corresponding Author: sahar.sadri@modares.ac.ir


How to Cite: Roohi Berandagh, K., Sadri, S., Hajikhani, A. (2023). A Critical Analysis of the Relationship between Action and its Reward in the Afterlife from the Point of View of the Qur'an Commentators; with an Emphasis on Contemporary Interpretations, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 14(52), 87-110.


question, and other views are not completely compatible with the Quranic verses.


Keywords: Resurrection, Hereafter, Punishment of Action, Interpretation of Quran, Reward And Punishment.



تحلیل انتقادی رابطه عمل و پاداش عمل در جهان آخرت، از دیدگاه مفسران قرآن؛ با تأکید بر تفاسیر معاصرانه

کاوس روحی برندق  دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

سحر صدری  * دانش آموخته دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

علی حاجی خانی  دانشیار دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

مباحث مربوط به زندگی پس از مرگ از پیچیده‌ترین مباحث الهیاتی است. بحث از آثار اعمال انسان در زندگی پس از مرگ و در جهان آخرت بخش مبسوطی از این مباحث را تشکیل می‌دهد. درباره بحث عمل انسان در آخرت مباحث گوناگونی مطرح است که برخی از آن‌ها عبارت است از: تمثیل اعمال در قبر، حسابرسی اعمال و کیفیت آن، وزن کردن اعمال و کیفیت ارائه جزای اعمال در آخرت. پژوهش حاضر - با استفاده از روش کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات و روش توصیفی تحلیلی در طبقه‌بندی داده‌ها و شیوه انتقادی در ارزیابی دیدگاه‌ها - پس از گردآوری و سامان‌دهی و تبیین آراء مفسران شاخص و معاصرانه قرآن در تبیین کیفیت رابطه عمل و جزای اعمال در آخرت، به این نتیجه دست یافته‌است که پنج دیدگاه: الف) حضور صحیفه اعمال (نفی حضور خود عمل، ب) دیدن جزای اعمال، ج) ثواب و عقاب به نفس اعمال و اخلاق نیک و بد، د) از بین رفتن صورت دنیوی و ظاهر شدن صورت اخروی، ه) حقیقی بودن رابطه عمل با جزا در آخرت و نفی رابطه اعتباری میان آن‌ها در این زمینه مطرح است، سپس به ارزیابی دیدگاه‌ها پرداخته و در بحث نوآورانه با تحقیق در آیات قرآن کریم در این زمینه به سیزده دسته از آیات و تحلیل آنها، در نهایت با تطبیق دیدگاه‌های فوق با آیات قرآن به این نتیجه نهایی رسیده است. دیدگاه سوم و پنجم یعنی دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبائی با توجه به اینکه با دسته‌های بیشتری از آیات قرآن کریم

* نویسنده مسئول: sahar.sadri@modares.ac.ir

۹۰ | فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی | سال چهاردهم | شماره ۵۲ | بهار ۱۴۰۲

سازگاری دارد و ترکیب این دو دیدگاه که هر کدام به جنبه خاصی از پاسخ مسأله تحقیق پرداخته‌اند، دیدگاه ششم و دیدگاه موجه در پاسخ مسأله تحقیق می‌باشد و سایر دیدگاه‌ها با ظواهر آیات سازگار نبوده و یا حداقل با دسته‌های کمتری از آیات سازگار است.

کلیدواژه‌ها: معاد، جهان آخرت، جزای عمل، تفسیر قرآن، ثواب و عقاب.



۱. مقدمه

انسان موجودی است که در دنیا دارای اندیشه و عمل است و با ادراک نیازهای خود برای رفع آن‌ها اقدام به عمل می‌کند. به گمان اولیه انسان، دایره ادراک و عمل او در همین جا ختم شده و پس از مرگ پرونده وجودش بسته شده، نیست و نابود می‌شود. ادیان الهی به این گمان اولیه خط بطلان کشیده و به انسان تذکر می‌دهند که زندگی او پس از مرگ ادامه داشته و دامنه آثار اعمال به زندگی پس از مرگ کشیده شده و انسان در جهان آخرت محصول اعمال خود در دنیا را برداشت می‌کند. قرآن کریم نیز در موارد بسیاری به مسئله معاد و لزوم توجه به آن تذکر داده است. از این موارد به آیات زیر می‌توان اشاره کرد «زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ» (تغابن: ۷)؛ «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (نساء: ۸۷)؛ «قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جمعه: ۸)؛ «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ» (آل عمران: ۱۸۵)؛ «قُلْ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (جاثیه: ۲۶). درباره‌ی بحث عمل انسان در آخرت مباحث گوناگونی مطرح است که برخی از آن‌ها عبارت است از: تمثیل اعمال در قبر، حسابرسی اعمال و کیفیت آن، وزن کردن اعمال و کیفیت ارائه جزای اعمال در آخرت که پژوهش حاضر به بحث اخیر پرداخته است.

۱-۱. هدف پژوهش

هدف این جستار، مطالعه انتقادی دیدگاه‌های تفاسیر فریقین در زمینه چگونگی رابطه عمل و پاداش آن در جهان آخرت است و در این زمینه تفاسیر شاخص قرآن که عمدتاً تفاسیر معاصرانه و تحلیلی را تشکیل می‌دهند - که عبارت‌اند از: تفسیر روح المعانی آلوسی، تفسیر التحرير و التنوير ابن عاشور، آلاء الرحمن بلاغی، تسنیم جوادی آملی، المنار عبده و رشید رضا، الکشاف زمخشری، الفرقان صادقی تهرانی، تفسیر القرآن الکریم صدرالدین

شیرازی، پرتوی از قرآن طالقانی، میزان علامه طباطبائی، مجمع البیان طبرسی، التفسیر الکبیر فخر رازی، من وحی القرآن سید محمد حسین فضل الله، تفسیر الصافی فیض کاشانی، الجامع لاحکام القرآن قرطبی، تفسیر الکاشف مغنیه، تفسیر نمونه ناصر مکارم- مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و این تفاسیر جامعه آماری این جستار را تشکیل می‌دهند. در هر حال، این پژوهش در صدد است در مرحله نخست به گردآوری و سامان دهی و تبیین آراء مفسران شاخص و معاصرانه قرآن در تبیین کیفیت رابطه عمل و جزای اعمال در آخرت، آن گاه به ارزیابی دیدگاه‌ها پرداخته و سپس با بررسی تحلیلی آیات قرآن تا حد امکان دیدگاه نوآورانه در زمینه تحقیق به دست دهد.

۱-۲. پرسش پژوهش

در این راستا سؤال‌های این پژوهش عبارت است از:
الف) مهم‌ترین دیدگاه‌های مفسران قرآن کریم درباره رابطه عمل با جزا در آخرت کدام است؟ ادله هر کدام از دیدگاه‌ها چیست و چه نقدی بر آن وارد است؟
ب) دیدگاه برگزیده درباره‌ی مسئله فوق کدام است؟

۱-۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای در گردآوری اطلاعات و روش توصیفی تحلیلی در طبقه بندی داده‌ها و شیوه انتقادی در ارزیابی دیدگاه‌ها سامان یافته است.

۱-۴. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی با موضوع نزدیک به پژوهش حاضر به شرح زیر است:
الف) مقاله «چرایی و چگونگی عذاب اخروی: بررسی دیدگاه علامه مجلسی و علامه طباطبائی» نوشته محمد مهدی مشکاتی؛ سید روح‌الله فاطمی زاده که در مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۸۳-۱۰۷ به چاپ رسیده است. نویسندگان در این مقاله دیدگاه علامه مجلسی و علامه طباطبائی

تحلیل انتقادی رابطه عمل و پاداش عمل در جهان آخرت، از دیدگاه...؛ روحی برندق و همکاران | ۹۳

را درباره چرایی و چگونگی عذاب اخروی بررسی و تطبیق کرده‌اند.

ب) مقاله «تبیین رابطه عمل و پاداش در مثنوی معنوی مولوی» نوشته ایرج شهبازی که در نشریه علمی - پژوهشی پژوهشنامه ادب حماسی (پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب)، پاییز ۱۳۸۸، دوره ۱، شماره ۹، از صفحه ۱۲۸ - ۱۶۰ به چاپ رسیده است.

ج) مقاله «ادله اثبات نظریه تجسم اعمال و تبیین کارکردهای کلامی آن از دیدگاه علامه طباطبائی» نوشته نصرت نیل ساز و ناصر کولیوند که در نشریه معرفت کلامی، زمستان ۱۳۹۶، شماره ۲ به چاپ رسیده است.

اما درباره موضوع رابطه عمل با جزا در آخرت و بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران در این زمینه، تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است.

۲. تبیین و ارزیابی دیدگاه‌های مفسران

به‌طور کلی دیدگاه‌های مفسران درباره رابطه عمل و جزا در آخرت را می‌توان در چند دسته زیر جای داد که در ادامه این دیدگاه‌ها و ادله آن‌ها و نقدهای وارد بر آن‌ها ذکر می‌شود.

۲-۱. دیدگاه نخست، حضور صحیفه اعمال (نفی حضور خود عمل)

زمخشری در کشاف مراد از عبارت «وَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» (کهف: ۴۹) را همان صحیفه مکتوب اعمال می‌داند که انسان آن را می‌خواند. وی این آیه را هم‌معنای آیه‌ی «فَيَسْئَلُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَ نَسُوهُ» (مجادله: ۶) می‌داند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ۱: ۳۵۳) در حقیقت، زمخشری وجود و حضور خود عمل در صحنه قیامت را نفی می‌کند. و طبرسی ذیل آیه «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَ مَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ...» (آل عمران: ۳۰) می‌گوید: مفسران درباره کیفیت حاضر بودن عمل برای عامل، اختلاف کرده‌اند؛ ابی مسلم و قاضی گفته‌اند: مراد این است که صحیفه‌هایی که در آن‌ها کارهای نیک و بد نوشته شده است را می‌یابد (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۷۳۲؛ نیز ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱: ۳۲۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۴: ۵۹) و فخر رازی معتقد است که باید آیه را تاویل کنیم

و سپس دو وجه برای تأویل آن ذکر می‌کند؛ تأویل اول اینکه مراد این باشد که انسان نامه اعمال خود را می‌یابد. وی دو آیه «إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (جائیه: ۲۹) و «فَإِنِّي بَصُرْتُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَ نَسُوهُ» (مجادله: ۶) را به عنوان شاهد وجه اول ذکر می‌کند (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۸: ۱۹۶).

اما از جهت استدلال آوری، زمخشری قول خود را مستند به دلیلی نکرده است، فخر رازی نیز در استدلال بر عقیده خود می‌گوید: عمل باقی نیست و حضور و وجدان آن هم در قیامت ممکن نیست.

نقد: در نقد استدلال یاد شده که توسط فخر رازی به سود دیدگاه حضور صحیفه اعمال و نفی حضور خود عمل صورت گرفته است و می‌گوید: چون عمل از بین می‌رود و ناپود می‌شود، حضور آن در قیامت ممکن نیست، لذا آیه را باید به تأویل برد. می‌توان گفت که این سخن وی صحیح نمی‌نماید، زیرا تا زمانی که دلیل عقلی و یا نقلی قطعی در استحاله امری اقامه نشده باشد ظواهر نصوص شرعی به قوت خود باقی است و در این مورد نه تنها دلیل عقلی بر استحاله حضور عمل در قیامت اقامه نشده، بلکه دلیل عقلی موافق آن است. علاوه بر اینکه ظواهر آیات دیگر نیز مؤید این معنا است.

آیت‌الله جوادی آملی در نقد دیدگاه فخر رازی می‌گوید: «سخن فخر رازی تام نیست، زیرا حقیقت عمل عین محسوسات خارجی نیست، که زوال‌پذیرند، زیرا آن‌ها سلسله حرکتی‌اند که از بین می‌روند، بلکه عمل همان عناوین اعتباری است که با روح ارتباط دارد و باقی است؛ مثلاً هر یک از افعال مخصوص خارجی که نماز را پدید می‌آورد، زمانی موجود می‌شود و سپری می‌گردد؛ اما آن عنوان که از روح برخاسته است در جان می‌ماند؛ همان‌گونه که نیت سبب پیدایش عمل است، عمل نیز بر جان اثر می‌گذارد و این همان روح عمل است که می‌ماند و در قبر نیز به گونه‌ای ظاهر می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۳: ۶۹۰).

۲-۲. دیدگاه دوم، دیدن جزای اعمال

طبرسی دیدگاه دیگری را از برخی مفسران نقل می‌کند که مراد آیه ۳۰ سوره آل‌عمران،

این است که انسان جزای اعمال خود را می‌بیند؛ زیرا خود اعمال اعراضی هستند که نابود می‌شوند و اعاده آن‌ها نیز جایز نیست؛ لذا حاضر بودن عمل، مستحیل است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۲: ۷۳۲؛ نیز رک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱: ۳۲۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ۴: ۵۹) همچنین فخر رازی به عنوان وجه دوم تأویل آیه فوق می‌گوید: وجه دوم تأویل اینکه مراد یافتن جزای اعمال باشد. وی وجه سابق و این وجه را در معنای آیه‌ی فوق، محتمل دانسته و ترجیحی نداده است و مراد از آیه را ترغیب و ترهیب می‌داند که با هر کدام از وجوه تأویل که باشد، حاصل است (ر.ک؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ۸: ۱۹۶؛ نیز رک: بلاغی، بی‌تا، ۱: ۲۷۴؛ رشید رضا، بی‌تا، ۳: ۲۸۲؛ ابن عاشور، بی‌تا، ۳۰: ۵۱) و ابن عاشور نیز در تفسیر خود ذیل آیه ۱۴ سوره تکویر می‌گوید: به علت اینکه ثواب و عقاب اعمال در روز قیامت ظهور می‌کند، خداوند از ظهور آثار عمل به حضور خود عمل تعبیر کرده است و در فعل «احضرت» استعاره وجود دارد (ر.ک؛ همان، ۳۰: ۱۳۴) و محمدجواد مغنیه ذیل تفسیر آیه ۳۰ آل عمران معتقد به حضور جزای عمل در آخرت است. ایشان قول به تجسم عمل را نیز از برخی نقل کرده و مورد انتقاد قرار می‌دهد. از نظر او عمل از امور عرضی است که بقایی ندارد و اعاده و رؤیت آن هم ممکن نیست (ر.ک؛ مغنیه، بی‌تا، ۲: ۴۴).

دلیل اول این دسته مانند دلیل پیش گفته در تفسیر فخر رازی است؛ از نظر این گروه خود اعمال اعراضی هستند که نابود می‌شوند و اعاده آن‌ها نیز جایز نیست؛ بنابراین، حاضر بودن عمل، مستحیل است. نقدی که در قسمت قبل بیان شد به این دلیل نیز وارد است و ابن عاشور دلیلی ذکر می‌کند که به علت اینکه ثواب و عقاب اعمال در روز قیامت ظهور می‌کند، خداوند از ظهور آثار عمل به حضور خود عمل تعبیر کرده است و در فعل «احضرت» استعاره وجود دارد (ر.ک؛ ابن عاشور، بی‌تا، ۳۰: ۱۳۴) و سید محمدحسین فضل‌الله نیز معتقد است که آیاتی از این دست، معنای حقیقی‌شان مقصود نیست، بلکه کنایه از مسئولیت انسان نسبت به نتایج و پیامدهای عمل است؛ بدین معنا که هر عملی از انسان یک نتیجه و پیامدی دارد که انسان هم آن را احساس می‌کند و می‌بیند و هم نسبت به آن مسئول است. خداوند از نتیجه عمل تعبیر به خود عمل کرده و از رؤیت نتیجه به رؤیت

عمل تعبیر داشته است؛ او در این باره می‌گوید: «این سخن به روش استعاره است که در آن از جزای عمل به رؤیت عمل تعبیر شده است، به این خاطر که انسان عملش را در زندگی‌اش در قالب نتایج منفی یا مثبت آن احساس می‌کند؛ عمل بد را در پیامد بد آن می‌بیند، چنان که عمل خیر را در پیامد خوب آن می‌بیند؛ زیرا عمل در درونش آثارش را دارد، به گونه‌ای که اگر انسان آن آثار را در واقعیت ببیند، گویا خود عمل را مشاهده کرده است. پس مقصود رؤیت صورت و شکل عمل نیست» (فضل‌الله، بی‌تا، ۵: ۳۲۹ و ۶: ۴۱۶ - ۴۱۷).

نقد: در نقد دو دیدگاه اخیر باید گفت: حمل آیه بر استعاره و مجاز و دست برداشتن از ظهور آیه نیاز به قرینه صارفه دارد که در این مطلب همان‌طور که گذشت قرینه عقلی و یا نقلی وجود ندارد. همچنین می‌توان گفت که آنچه از عمل فانی می‌شود همان شکل ظاهری آن است که در قالب زمان رخ می‌دهد و با سپری شدن زمان هم از بین می‌رود و بقایی ندارد؛ اما عمل یک جنبه باطنی نیز دارد که از آن جهت با روح انسان مرتبط است و با بقاء روح آن جهت از عمل هم بقا دارد و این استبعادی ندارد که در روز قیامت به همراه روح آن جنبه باطنی عمل که در حقیقت لب و حقیقت عمل است ظهور و حضور پیدا بکند. در واقع، دلیلی که ایشان اقامه کرده اخص از مدعا است؛ زیرا دلیل مربوط به ظاهر و قالب شکلی و مادی منقضی در زمان عمل است و نه عمل به صورت کامل.

از نظر برخی مفسران نیز اینکه مراد از حاضر شدن اعمال، حضور پاداش و کیفر آن‌ها و یا حضور نامه عمل باشد، با ظاهر آیه سازگار نبوده و تقدیر گرفتن لفظ «جزاء» در این آیات، خلاف ظاهر است (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲: ۵۰۶-۵۰۷).

۲-۳. دیدگاه سوم، ثواب و عقاب به نفس اعمال و اخلاق نیک و بد

این گروه معتقدند که تمام کیفرها و پاداش‌ها، مخلوق نفس و روح انسانی است که روح انسانی بی‌اختیار در آن جهان آن‌ها را خلق می‌کند، به این بیان که: اعمال نیک و بد در این جهان در روح انسانی، ملکاتی خوب و بد ایجاد می‌نماید و این ملکات جزء ذات او

تحلیل انتقادی رابطه عمل و پاداش عمل در جهان آخرت، از دیدگاه...؛ روحی برندق و همکاران | ۹۷

می‌گردند و هر یک از این ملکات، صورتی مناسب خویش، از نعمت و عذاب ایجاد می‌کند.

صدر المتألهین در تفسیر آیه «فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (یس: ۵۴) معتقد است این آیه و نظایر آن مانند آیات «هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل: ۹۰) و «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ» (نجم: ۴۰) و «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا» (آل عمران: ۳۰) براهین واضح و نصوص روشنی هستند بر اینکه در دار آخرت ثواب و عقاب به نفس اعمال و اخلاق نیک و بد است و نه به چیز دیگری که بر آن‌ها مترتب می‌شود.

از نظر ملاصدرا عقوبات الهی که به مجرمان می‌رسد اموری خارج از ذات و صفات آن‌ها نیست، بلکه اعمال قبیحی که به واسطه نیت‌هایشان در دنیا از آن‌ها سر می‌زند، در نفس آن‌ها رسوخ کرده و به صورت ملکه‌ای ثابت می‌شود که به سبب آن ملکات فطرت اصلی آن‌ها منحرف شده و باعث ظهور صور باطل و افکار دردآور و وحشتناکی می‌شود و آنچه در دل نهان بود سر برمی‌آورد.

از نظر او اگر انسان شقی می‌توانست با نور بصیرت، باطن خود را در همین دنیا مشاهده کند، باطن خود را مملو از انواع درندگان، شیاطین و حیوانات وحشی و مودی می‌دید و این‌ها در حقیقت تمثیل همان صفات باطنی او مثل غضب، شهوت، کینه، حسد، عجب، ریا، مکر و حيله است. ملاصدرا حکم اعمال حسنه را نیز بر همین قیاس می‌داند که برای اهل سعادت در قیامت به صورت‌های لذت‌بخش متصور می‌شوند (ر.ک؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶، ۵: ۱۸۷ - ۱۸۸ و ۷: ۴۳۷).

آلوسی نیز مراد از حضور عمل در قیامت را وجود آن‌ها در صحیفه اعمال دانسته و دو قول دیگر را نیز نقل کرده است؛ یکی اینکه اعمال در صورت‌هایی موجود باشند (تمثیل عمل) و دیگر اینکه جزای اعمال حاضر باشد (ر.ک؛ آلوسی، بی‌تا، ۲: ۱۲۲) وی در توضیح آیه ۳۰ آل عمران می‌گوید: [وجدان عمل در قیامت] به این دلیل است که هر عملی که انسان انجام می‌دهد اثری از آن در نفسش نقش می‌بندد و در صحیفه‌های نفوس

آسمانی مسطور می‌شود؛ اما به علت اینکه انسان در دنیا با شواغل حسی و ادراکات وهمی و خیالی مشغول است این نفوس و این مکتوبات را مشاهده نمی‌کند و هنگامی که از این عالم مجرد پیدا کرد، خواهد دید (ر.ک؛ همان، ۲: ۱۳۷) این عبارت آلوسی تقریباً هماهنگ با بیانات ملاصدرا می‌نماید؛ اما در ذیل آیه «عَلِمَتْ نَفْسٌ مَا أَحْضَرَتْ» (تکویر: ۱۴) ابتدا قول به حضور صحیفه‌ها را ذکر کرده و سپس می‌گوید: بر اساس آنچه برخی گفته‌اند خود اعمال به صورت‌هایی مجسم می‌شود. با توضیحی که درباره احضارکننده عمل که در اینجا نفس معرفی شده است می‌دهد مشخص می‌شود که عمل را از عامل و ذات انسان جدا می‌داند و معتقد است به علت اینکه انسان با عمل در دنیا موجب حاضر شدن آن در قیامت شده، حاضر کردن عمل در این آیه به نفس انسان نسبت داده شده است (ر.ک؛ همان، ۱۵: ۲۶۰).

آیت الله طالقانی نیز در تفسیر این آیه می‌گوید: ظاهر «ما عملت»، این است که هر نفسی عمل خود را می‌یابد، نه آثار و پاداش آن را و نه عمل دیگری را (ر.ک؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ۵: ۸۱) از دیدگاه ایشان نیز هیچ عملی معدوم نمی‌شود، بلکه در مسیر حیات تحول و کمال می‌یابد، گرچه عامل، عمل خود را در خلال زمان و پرده‌های طبیعت و غفلت گم کند یا از یاد ببرد. در آخرت نیز آفاق درون و بیرون حیات روشن می‌شود و تاریکی‌های دنیا و طبیعت از میان رفته و در آن روز هر نفس عامل، آنچه که گم کرده می‌یابد و آن را در برابر خود حاضر شده می‌نگرد (ر.ک؛ همان، ۵: ۸۲)

صاحب تفسیر الفرقان نیز معتقد است اعمال انسانی اعم از اعمال جوارحی و جوانحی در ذات انسان ثبت می‌شود و در روز قیامت عیناً خود عمل را حاضر می‌بیند و نه جزا و ثواب و عقاب آن را (ر.ک؛ صادقی تهرانی، بی‌تا، ۵: ۹۲ و ۳۰: ۴۱۱).

۲-۴. دیدگاه چهارم، از بین رفتن صورت دنیوی و ظاهر شدن صورت

اخروی

مکارم شیرازی معتقد است هر عملی یک صورت دنیوی دارد، و یک صورت اخروی، که هم‌اکنون در دل آن عمل نهفته است و روز رستاخیز پس از تحولاتی که در آن رخ

تحلیل انتقادی رابطه عمل و پاداش عمل در جهان آخرت، از دیدگاه ...؛ روحی برندق و همکاران | ۹۹

می‌دهد، شکل دنیوی خود را از دست داده و با شکل روز رستاخیز جلوه می‌کند و باعث آرامش و راحتی عمل‌کننده یا آزار او می‌گردد. ایشان این دیدگاه را با ظواهر بسیاری از آیات قرآن کاملاً مطابق می‌داند و اصرار برخی از مفسران بر اینکه مراد از حاضر شدن اعمال، حضور پاداش و کیفر آنها و یا حضور نامه عمل باشد را با ظاهر آیات سازگار نمی‌داند (ر.ک؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ۲: ۵۰۶). ایشان همچنین تقدیر گرفتن لفظ «جزاء» در این آیات را خلاف ظاهر می‌داند (ر.ک؛ همان، ۲: ۵۰۷).

ایشان سپس در توجیه چگونگی بقاء عمل به قانون بقاء انرژی و ماده اشاره می‌کند و می‌گوید: اعمال انسان که اشکال مختلفی از انرژی‌ها هستند، طبق قانون بقاء «ماده و انرژی» هیچ‌گاه از میان نمی‌روند و همواره در این جهان باقی خواهند بود (ر.ک؛ همان، ۲: ۵۰۸-۵۱۰).

برخی از مفسران توجیه فوق را از چند جهت مورد نقد می‌دانند: اول اینکه بیشتر مطالب علوم تجربی تجربیات غیرقطعی است. دوم اینکه فیزیک بدنه کار را مشخص می‌کند، که بین خوب و بد یا صالح و طالح مشترک است؛ از نظر ایشان حسنه یا سیئه بودن، اطاعت یا عصیان بودن و خیر یا سوء بودن اعمال انسان، به «نیت» وابسته است که به عمل شکل می‌دهد، درحالی که علم فیزیک نیت نمی‌شناسد. سوم اینکه عقاید، آرا و افکار انسان نیز مانند اعمال وی مجسم می‌شوند، درحالی که عقیده و فکر در حیطه فیزیک نمی‌گنجد تا گفته شود که انرژی، ماده منتشره و ماده، انرژی متراکم است؛ و چهارم اینکه احکام آخرت با قوانین مادی دنیا تفاوت دارند (ر.ک؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۱۳: ۷۰۸).

۵-۲. دیدگاه پنجم، حقیقی بودن رابطه عمل با جزا در آخرت و نفی رابطه اعتباری میان آنها

دیدگاه دیگری که در این زمینه مطرح شده، دیدگاه علامه طباطبایی است که معتقد است انقیاد انسان در برابر قوانینی که خداوند تعیین فرموده است باعث آماده شدن دل انسان برای اتصاف به صفات پسندیده می‌گردد، هم‌چنان که سرکشی از آن قوانین باعث آماده شدن دل برای پذیرش صفات ناپسند می‌شود و در نتیجه آن آمادگی است که نعمتی اخروی

برایش آماده می‌شود و در اثر این آمادگی است که زمینه عذاب و نعمتی اخروی برایش فراهم می‌گردد، چون بهشت و دوزخ آخرت تمثیل یافته همان فضائل و رذائل است و حقیقت بهشت و دوزخ هم همانا قرب آدمی به خدا و دوریش از خدا است؛ پس حسنات و سیئات متکی به مصالح و مفاسد واقعی و حقیقی است و منتهی به اموری است که نظامی حقیقی دارد، نه چون قوانین عقلا که صرف اعتبار است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ۳: ۲۹۹؛ طباطبایی، بی‌تا: ۲۷۶).

از نظر ایشان میان اعمال انسانی و آثار آن روابط حقیقی و تکوینی خارجی وجود دارد، نه اینکه وضعی و اعتباری باشد، هرچند که در زبان دین شبیه به تبعات احکام قراردادی که انسان برای اجتماع انسانی وضع می‌کند بیان شده است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ۸: ۱۰۹) درواقع، علامه طباطبایی معتقد است میان عمل و جزا رابطه‌ای حقیقی وجود دارد که فراتر از رابطه اعتباری‌ای است که در اجتماع انسانی برقرار بوده و ظاهر تعالیم خداوند بر اساس آن است (ر.ک؛ همان، ۶: ۳۷۶).

ایشان چگونگی این رابطه حقیقی را این‌گونه توضیح می‌دهد که خداوند متعال در قرآن بیان فرموده است که قلب در اثر عمل حالت و هیئت مخصوصی به خود می‌گیرد، چنانکه آیه شریفه «وَلَكِنْ يَأْخُذُكُمْ بِمَا كَسَبْتُمْ فُلُوبِكُمْ»؛ (بقره: ۲۲۵) و آیه «وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخَفُّوهُ يَحَاسِبِكُمْ بِهِ اللَّهُ»؛ (بقره: ۲۸۴) به آن اشاره دارد. از این آیات روشن می‌شود که جمیع آثار مترتب بر اعمال از ثواب و عقاب همه در حقیقت مترتب بر حالاتی است که دل‌ها از راه عمل کسب می‌کنند و اعمال تنها و تنها واسطه این ترتب‌اند (ر.ک؛ همان، ۶: ۳۷۷).

شهید مطهری نیز در توضیح بیشتر این بیان در کتاب «عدل الهی» انواع مجازات را سه گونه بیان کرده است:

الف. مجازات قراردادی (تنبيه و عبرت)، ب. مجازاتی که با گناه، رابطه تکوینی و طبیعی دارد (مکافات دنیوی)، ج. مجازاتی که تجسم خود جرم است و چیزی جدا از آن نیست (عذاب اخروی).

تحلیل انتقادی رابطه عمل و پاداش عمل در جهان آخرت، از دیدگاه...؛ روحی برندق و همکاران | ۱۰۱

نوع سوم از مجازات‌ها از نظر شهید مطهری مجازات‌های جهان آخرت است که رابطه تکوینی با اعمال انسان دارند. از نظر ایشان رابطه عمل و جزا در آخرت نه مانند نوع اول، قراردادی است و نه مانند نوع دوم از نوع رابطه علی و معلولی است، بلکه در این نوع از مجازات، رابطه «عینیت» و «اتحاد» برقرار است؛ یعنی آنچه که در آخرت به عنوان پاداش یا کیفر به نیکوکاران و بدکاران داده می‌شود تجسم خود عمل آن‌هاست. ایشان آیات ۳۰ آل عمران و ۴۹ کهف را ناظر به این نوع از مجازات می‌داند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۷، ۱: ۲۲۵-۲۳۱).

علامه طباطبایی در این بحث بر مسئله اعتباری نبودن رابطه عمل و جزا در آخرت و حقیقی بودن آن تأکید دارد. دلیل ایشان این است که عقلا این روابط میان عمل و جزا در دنیا را جهت رعایت مصلحت اجتماع قرارداد کرده‌اند.

ایشان درباره وضع قوانین و وضع عقاب تمرد از آن‌ها این‌گونه توضیح می‌دهد که احکام و قوانینی که مخالفت در آن واقع می‌شود، اموری وضعی و اعتباری است که منظور از وضع و اعتبار آن این است که مصالح مجتمع انسانی با عمل به آن احکام و مراقبت آن دستورات حفظ شود و عقابی که بر مخالفت آن مترتب می‌شود تبعات سوئی است که آن را اعتبار کردند تا بتواند انسان‌های مکلف را از هوس معصیت و تمرد از اطاعت منصرف سازد (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۳۷۱، ۳: ۲۹۹؛ طباطبایی، بی تا: ۲۷۶).

درواقع، عقلا برای اینکه اوامر و نواهی‌شان مورد اطاعت قرار گیرد، بر هر کدام از آن‌ها ثواب و عقابی را وضع کرده‌اند که ثواب و جزای خوب را مشوقی برای امتثال، و عقاب و جزای بد را برای دور شدن از مخالفت و تمرد در نظر گرفته‌اند. علامه این رابطه میان عمل و جزا را که اجتماع یا حاکم جامعه به علت نیاز شدید به عمل وضع کرده‌اند، رابطه‌ای قراردادی و اعتباری می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۷۱، ۶: ۳۷۵)

ایشان درواقع درصدد بیان این نکته است که روابط اعتباری و قراردادی میان عمل و جزا که در جوامع بشری موجود است روابطی وهمی و خیالی است که جز در ظرف ذهن انسانی واقعیتی در خارج ندارد، اما جهان هستی و روابط میان اجزای آن واقعی و خارجی

هستند؛ لذا رابطه عمل و جزا در عالم هستی رابطه‌ای حقیقی و واقعی است و در آخرت که ظرف ظهور حقایق است همه اسباب ظاهری باطل شده و روابط حقیقی حاکم بر عالم هستی ظهور می‌کند.

از نظر علامه، خداوند سبحان در آیه «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»؛ (عنکبوت: ۶۴) حقیقت حیات دنیا را بازی به حساب آورده که بنایی جز بر خیال ندارد و شایسته نیست که این حیات، انسان را از حیات آخرت که سعادت دائمی انسان در آن است باز دارد (ر.ک؛ همان، ۶: ۳۷۶).

به نظر می‌رسد نظر علامه طباطبایی درباره رابطه اعمال با انسان با نظر ملاصدرا مطابق است. در واقع، علامه طباطبایی و ملاصدرا به یک معنا اشاره کرده‌اند، اما با دو روش متفاوت؛ توضیح اینکه ملاصدرا بر جنبه اثباتی قضیه استدلال کرده است، اما علامه طباطبایی بر جنبه سلبی مطلب دلیل اقامه کرده است.

۳. بحث و تحلیل؛ تبیین و اثبات دیدگاه برگزیده مقاله

درباره نحوه رابطه انسان با عمل خود و چگونگی ارائه عمل در آخرت به انسان در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که بر اساس تعبیری که در آیات نسبت به این مسئله آمده است می‌توان آیات را به صورت زیر دسته‌بندی کرد.

۱-۳. در برخی از آیات از حاضر بودن عمل در نزد خداوند سخن به میان آمده است، (بقره: ۱۱۰)؛

در دسته‌ای دیگر از آیات سخن از ارائه و رؤیت عمل در آخرت آمده است، (بقره: ۱۶۷) و (زلزله: ۶-۸)؛

۲-۳. در برخی دیگر از آیات به از بین رفتن و نابود شدن اعمال اشاره شده است. در این دسته تعابیر مختلفی در آیات قرآن ذکر شده که به شرح زیر است:

۱-۲-۳. در برخی از آیات واژه «حبط» آمده است؛ (بقره: ۲۱۷)؛ (مائده: ۵)؛ (آل عمران: ۲۲)؛ (مائده: ۵۳)؛ (أنعام: ۸۸)؛ (أعراف: ۱۴۷)؛ (توبه: ۱۷)؛ (توبه: ۶۹)؛ (کهف، ۱۰۵)؛ (أحزاب: ۱۹)؛ (زمر: ۶۵)؛ (محمد: ۹)؛ (محمد: ۲۸)؛ (محمد: ۳۲) و (حجرات: ۲)؛

تحلیل انتقادی رابطه عمل و پاداش عمل در جهان آخرت، از دیدگاه...؛ روحی برندق و همکاران | ۱۰۳

۲-۲-۳. در برخی دیگر تعبیر از باطل شدن عمل آمده است؛ (اعراف: ۱۱۸ و ۱۳۹)؛ (محمد: ۳۳) و (هود: ۱۶). اعمال کافران در آیه ۱۸ سوره ابراهیم به خاکستری که در تندباد پراکنده شود و در آیه ۳۹ سوره نور به سراب در بیابان تشبیه شده است.

۲-۲-۳. در برخی از آیات نیز از اضلال اعمال سخن به میان آمده است؛ (محمد: ۸). در آیه ۲۳ فرقان به تبدیل شدن اعمال به صورت غبار پراکنده در هوا اشاره شده است. در برخی از آیات از اجر عمل سخن به میان آمده است؛ (بقره: ۲۷۷)؛ (آل عمران: ۵۷)؛ (نساء: ۱۷۳)؛ (کهف: ۳۰)؛ (فصلت: ۸)؛ (انشقاق: ۲۵) و (تین: ۶).

۳-۳. در برخی از آیات به حضور عمل همراه با عامل در صحنه قیامت اشاره شده است؛ (آل عمران: ۳۰).

۴-۳. در برخی دیگر از آیات از تجسم عمل به صورتی خاص در قیامت اشاره شده است؛ (آل عمران: ۱۸۰)؛ (بقره: ۱۷۴)؛ (نساء: ۱۰) و (توبه: ۳۵).

۵-۳. در برخی دیگر از آیات به جزا دادن اعمال اشاره شده است؛ (نساء: ۱۲۳)؛ (نحل: ۹۷)؛ (کهف: ۸۸)؛ (قصص: ۸۴)؛ (سجده: ۱۷)؛ (سبأ: ۴ و ۳۳ و ۳۷)؛ (یس: ۵۴)؛ (صافات: ۳۹)؛ (غافر: ۴۰)؛ (فصلت: ۲۷)؛ (جاثیه: ۲۸)؛ (أحقاف: ۱۴)؛ (طور: ۱۶)؛ (نجم: ۳۱)؛ (واقعه: ۲۴) و (تحریم: ۷).

۵-۳. در برخی دیگر از آیات با تعبیر گوناگون از ایفاء (به طور کامل دادن) اعمال سخن به میان آمده است؛ (هود: ۱۱۱)؛ (نحل: ۱۱۱)؛ (زمر: ۷۰)؛ (أحقاف: ۱۹)؛ (محمد: ۳۵)؛ (حجرات: ۱۴) و (طور: ۲۱).

۶-۳. در برخی دیگر از آیات سخن از کتابت و نامه اعمال به میان آمده است؛ (کهف: ۴۹)؛ (جاثیه: ۲۹)؛ (مطففین: ۷ و ۱۸)؛ (إسراء: ۱۳ و ۷۱)؛ (حاقة: ۱۹ و ۲۵)؛ (انشقاق: ۷ و ۱۰)؛ (جاثیه: ۲۸) و (یس: ۱۲).

۷-۳. در آیه ۱۰۳ سوره کهف نیز به خسران عمل اشاره شده است.

۸-۳. در برخی از آیات نیز از شهادت اعضا و جوارح انسان بر اعمال او سخن به میان آمده است؛ (نور: ۲۴) و (فصلت: ۲۰).

۳-۹. مطلب دیگری که در برخی دیگر از آیات قرآن درباره اعمال انسانی دیده می‌شود مسئله تکفیر گناهان است که در آیات زیر قابل مشاهده است؛ (آل عمران: ۱۹۵)؛ (عنکبوت: ۷)؛ (محمد: ۲) و (تغابن: ۹).

۳-۱۰. از مسئله تکفیر سیئات بالاتر آیه‌ای است که به مسئله تبدیل سیئات به حسنات سخن می‌گوید؛ (فرقان: ۷۰).

با تطبیق دیدگاه اول با آیات فوق باید گفت که این دیدگاه با دسته شماره ۹ که در آن از کتابت و نوشتن اعمال سخن به میان آمده است مطابقت داشته و با سایر دسته‌ها سازگاری ندارد؛ زیرا در دسته‌های ۱، ۲ و ۵ از حضور خود عمل در قیامت سخن به میان آمده است و نه از حضور صحیفه اعمال. همچنین در دسته‌های دیگر از مطالبی همچون تجسم عمل به صورتی خاص و نیز ابطال و یا حبط عمل سخن به میان آمده است. لذا ابتدا به نظر می‌رسد که این دیدگاه صرفاً با یک دسته از آیات سازگار است و با ظهور دسته‌های دیگر آیات قرآن در این زمینه سازگار نیست؛ اما با نگاهی دقیق‌تر به آیات قرآن کریم روشن می‌شود که این دیدگاه حتی با آیات دسته نهم نیز سازگار نیست؛ توضیح اینکه در میان آیات، ظاهر ابتدایی این آیات (دسته نهم) که سخن از کتابت اعمال و اعطای نامه اعمال در قیامت به دست انسان دارد، این است که برای اعمال انسان در دنیا صحیفه‌هایی وجود دارد که ملائکه موکل، اعمال انسان را بر آن می‌نگارند و در صحنه قیامت همین نامه و صحیفه اعمال را به دست انسان می‌دهند و او در این نامه سیاهه اعمال خود را می‌نگرد و قرائت می‌کند؛ اما این مطلب بدو از ظاهر آیات به دست می‌آید و با تأمل دقیق‌تر در مفهوم قرآنی کتابت معنای دیگری ظهور می‌کند و در عرف قرآن کریم کتابت معنای خاصی می‌یابد. علامه طباطبایی در این باره تحقیقی لطیف دارد. ایشان در جلد هفتم تفسیر المیزان تحت عنوان (کلام فی معنی الکتاب فی القرآن) می‌گوید: کتاب در قرآن بر سه قسم اطلاق می‌شود؛ قسم اول کتاب‌هایی است که مشتمل بر شریعت بوده و بر انبیاء نازل می‌شود، قسم دوم کتاب‌هایی است که اعمال نیک و بد بندگان را ضبط می‌کند و قسم سوم کتابی است که جزئیات نظام عالم و حوادث واقع شده در آن را ضبط می‌کند (ر.ک)؛

همان، ۷: ۲۵۲-۲۵۴).

ایشان همچنین با توجه به آیه «وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا»؛ (اسراء: ۱۳) معتقد است که کتاب مذکور دربردارنده حقیقت اعمال و نتایج خیر و شر آنها است، نه اینکه مانند کتاب‌های معمولی مشتمل بر خطوط و نوشته‌ها باشد؛ در نتیجه آن، کتاب عبارت است از همان اعمالی که خداوند آن را به انسان نشان می‌دهد. (همان، ۱۳: ۵۵).

بنابراین، با توجه به دیدگاه علامه طباطبائی و تحقیق ایشان درباره‌ی معنای کتاب در قرآن باید گفت دیدگاه اول حتی با آیاتی که ظاهرشان کتابت اعمال در صحیفه‌ها است سازگار نیست. نکته دیگری که در تکمیل بحث فوق می‌توان گفت این است کتابت مرسوم در دنیا بر روی صحیفه‌ها امری اعتباری و قراردادی است، درحالی‌که آخرت محل ظهور حقایق بوده و مفاهیم اعتباری در آن مقام جایی ندارد.

دیدگاه دوم نیز ظاهراً با آیات دسته هفتم به صورت مستقیم و به صورت ضمنی با دسته چهارم که در آنها سخن از اجر عمل رفته سازگار است و با سایر آیات در این زمینه سازگاری ندارد. توضیح اینکه در دسته هفتم آیات سخن از جزا دادن اعمال و در دسته چهارم سخن از اجر عمل آمده است. دیدگاه دوم معتقد است که انسان در قیامت جزای عمل را می‌بیند و خود عمل در دنیا از بین می‌رود و نابود می‌شود؛ اما باید گفت که در این دو دسته آیات که ظاهراً این دیدگاه با آنها سازگار است هیچ‌گونه دلالتی بر این مدعا وجود ندارد؛ این آیات از جزا و اجر عمل سخن گفته‌اند و جزا و اجر را به دو صورت می‌توان تصویر کرد: یکی صورت اعتباری که در زندگی اجتماعی انسان‌ها در دنیا مرسوم است و دیگری به صورت حقیقی و ظاهراً مراد این دیدگاه همان جزای اعتباری و قراردادی مانند اجور و جزاهای دنیوی است. تخصیص اجر و جزا به صورت اعتباری آن ادعایی بدون دلیل است و بلکه می‌توان گفت از آیات دیگر قرآن خلاف آن یعنی حقیقی بودن آن اثبات می‌شود، چنانچه در برخی از آیات قرآن خطاب به بهشتیان و دوزخیان این است که آنچه به آن جزا داده می‌شود همان اعمال شما است. ظاهر این آیات نیز حقیقی

بودن رابطه اعمال با جزا را می‌رساند و نه اعتباری بودن آن را. از جمله این آیات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

«وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (نمل: ۹۰)؛ «يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (عنکبوت: ۵۵)؛ «فَالْيَوْمَ لَا تَظَلُمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (یس: ۵۴)؛ «وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (صافات: ۳۹)؛ «وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (جاثیه: ۲۸)؛ «اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (طور: ۱۶)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَدُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (تحریم: ۷).

دیدگاه چهارم (از بین رفتن صورت دنیوی و ظاهر شدن صورت اخروی) نیز با هیچ کدام از آیات موجود در دسته‌های فوق هماهنگی به صورت صریحی ندارد؛ البته از ظواهر برخی از آیات دیگر که درباره‌ی تجسم عمل سخن می‌گویند می‌توان چنین برداشتی نمود، اما به صورت صریح هیچ آیه‌ای بر آن دلالت ندارد؛ توضیح اینکه در هیچ یک از آیاتی که در دسته‌های فوق قرار دارند و درباره رابطه عمل با جزا سخن می‌گویند اشاره به وجود دو صورت دنیوی و اخروی برای عمل نشده است و چنانچه مراد این دیدگاه ظهور عمل در آخرت به صورت سیئه یا حسنه باشد، که دیدگاه سوم و پنجم یکسان می‌شود و اما اگر مراد از این دیدگاه این باشد که عمل در آن واحد دو صورت دارد: یکی دنیوی و دیگری اخروی، از ظاهر آیات این معنا به دور است؛ اما تأمل در توضیحاتی که آیت‌الله مکارم برای این دیدگاه بیان کرده است مشخص می‌کند که مراد این دیدگاه غیر از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی است، زیرا ایشان در توجیه بقای عمل از بحث قانون بقاء ماده و انرژی استفاده می‌کند و ظاهر این سخن مادی دانستن عمل است که این مطلب از دو دیدگاه مذکور فاصله بسیاری دارد، زیرا از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی بعد باطنی عمل که در روح انسان ملکه می‌شود امری مجرد از ماده است. اما دیدگاه سوم (ثواب و عقاب به نفس اعمال و اخلاق نیک و بد) که دیدگاه صدر

تحلیل انتقادی رابطه عمل و پاداش عمل در جهان آخرت، از دیدگاه...؛ روحی برندق و همکاران | ۱۰۷

التألهین است و دیدگاه پنجم (حقیقی بودن رابطه عمل با جزا در آخرت و نفی رابطه اعتباری میان آن‌ها) که دیدگاه علامه طباطبائی است، با دسته‌های بیشتری از آیات هماهنگی دارد؛ زیرا در آیات دسته اول که از حاضر بودن عمل در نزد خداوند (بقره: ۱۱۰)، و در دسته دوم که از ارائه و رؤیت عمل در آخرت (بقره: ۱۶۷) سخن به میان آمده است بر این دیدگاه به صورت روشن دلالت دارد. همچنین این دو دیدگاه با آیات دسته پنجم (حضور عمل همراه با عامل در صحنه قیامت) و دسته ششم (تجسم عمل به صورتی خاص در قیامت) و دسته هشتم (ایفاء اعمال) سازگار است. نیز این دو دیدگاه با آیات موجود در دسته‌های چهارم (اجر عمل) و هفتم (جزا دادن اعمال) و نهم (کتابت و نامه اعمال) و یازدهم (شهادت اعضا و جوارح انسان بر اعمال) به صورت ضمنی و غیرمستقیم سازگار است. از این گذشته، با توجه به اینکه هر کدام از این دو دیدگاه به پاسخ جنبه‌ای خاص از مسأله تحقیق پرداخته اند، ترکیب آنها پاسخ موجه برای سوال تحقیق خواهد بود.

نتیجه‌گیری

درباره نحوه رابطه انسان با عمل خود و چگونگی ارائه عمل در آخرت به انسان در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که بر اساس تعبیری که در آیات نسبت به این مسئله آمده است آیات به ۱۳ دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: حاضر بودن عمل در نزد خداوند، ارائه و رؤیت عمل در آخرت، از بین رفتن و نابود شدن اعمال، اجر عمل، حضور عمل همراه با عامل، تجسم عمل به صورتی خاص در قیامت، جزا دادن اعمال، ایفاء (به طور کامل دادن) اعمال، کتابت و نامه اعمال، خسران عمل، شهادت اعضا و جوارح انسان بر اعمال، تکفیر گناهان و تبدیل سیئات به حسنات.

همچنین به‌طور کلی دیدگاه‌های مفسران درباره رابطه عمل و جزا در آخرت، به پنج دسته زیر خلاصه می‌شود:

الف. حضور صحیفه اعمال (نفی حضور خود عمل)

ب. دیدن جزای اعمال

ج. ثواب و عقاب به نفس اعمال و اخلاق نیک و بد

د. از بین رفتن صورت دنیوی و ظاهر شدن صورت اخروی
هـ. حقیقی بودن رابطه عمل با جزا در آخرت و نفی رابطه اعتباری میان آن‌ها
با تطبیق دیدگاه‌های فوق با آیات قرآن در این زمینه این نتیجه حاصل شد که دیدگاه
سوم و پنجم یعنی دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی با دسته‌های بیشتری از آیات قرآن
کریم سازگاری دارد و سایر دیدگاه‌ها با ظواهر آیات سازگار نبوده و یا حداقل سازگاری
کمتری دارد. در واقع، علامه طباطبایی و ملاصدرا به یک معنا اشاره کرده‌اند، اما با دو
روش متفاوت؛ توضیح اینکه ترکیب این دو دیدگاه ممکن می‌نماید و در حقیقت،
ملاصدرا بر جنبه اثباتی قضیه استدلال کرده، اما علامه طباطبایی بر جنبه سلبی مطلب، دلیل
اقامه کرده است. بدین سان دیدگاه علامه دیدگاه ملاصدرا را تکمیل می‌کند؛ به این
صورت که دیدگاه ملاصدرا هرچند فی نفسه صحیح است ولی اثبات این نکته که عمل در
انسان ملکاتی را ایجاد می‌کند دلیل بر این نمی‌شود که جزای اعمال در قیامت، با خود
عمل رابطه حقیقی داشته باشد بلکه ممکن است این رابطه اعتباری باشد. اینجاست که
دیدگاه علامه این اشکال را طرد کرده و با اثبات حقیقی بودن رابطه عمل و جزا، دیدگاه
صدرا را تأیید می‌کند.

ORCID

Kavoos Roohi Berandagh



<http://orcid.org/0000-0003-3474-0421>

Sahar Sadri



<http://orcid.org/0009-0009-9972-7050>

Ali Hajikhani



<http://orcid.org/0000-0002-8255-8432>

منابع

قرآن کریم.

- آلوسی، محمود بن عبدالله. (بی تا). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (بی تا). *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- بلاغی، محمد جواد. (بی تا). *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*. قم: مکتبه الوجدانی.
- جواد آملی، عبدالله. (۱۳۸۹). *تسنیم: تفسیر قرآن کریم*. قم: اسراء.
- رشید رضا، محمد. (بی تا). *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*. بیروت: دار المعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. بیروت: دار الکتب العربی.
- صادقی، تهرانی. محمد. (بی تا). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*. قم: فرهنگ اسلامی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم*. قم: بیدار.
- طالقانی، محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: اسماعیلیان.
- _____ . (بی تا). *الرسائل التوحیدیة*. بیروت: مؤسسه النعمان.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فضل الله، محمدحسین. (بی تا). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵). *تفسیر الصافی*. تهران: مکتبه الصدر.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*. قم: صدرا.
- مغنیه، محمد جواد. (بی تا). *تفسیر الکاشف*. قم: دار الکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه*. دار الکتب الإسلامیه. تهران.

References

The Holy Quran.

Alousi, Mahmoud bin Abdullah. (N.D.). *Ruh Al-Ma'ani in Tafsir Al-Qur'an Al-Azeem and Al-Saba Al-Mathani*. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [in Arabic]

Balaghi, Mohammad Javad. (N.D.). *Al-Rahman in Tafsir al-Qur'an*. Qom: Al-Wojdani School.

- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar. (1999). *al-Tafsir al-Kabir*. Beirut: Dar Ehiya al-Trath al-Arabi. [in Arabic]
- Fazlullah, Mohammad Hossein. (N.D.). *Min Wahy al-Qur'an*. Beirut: Dar Al Malak.
- Feiz Kashani, Mohammad Bin Shah Morteza. (1994). *Tafsir Al-Safi*. Tehran: Sadr School.
- Ibn Ashour, Muhammad Tahir. (N.D.). *Tafsir al-Tahreer and Al-Tanvir known as Ibn Ashur's Tafsir*. Beirut: Arab History Foundation. [in Arabic]
- Javadi Amoli, Abdullah. (2010). *Tasnim: Tafsir of the Holy Quran*. Qom: Israa.
- Motahari, Morteza. (1998). *A collection of works by master Shahid Motahari*. Qom: Sadra.
- Mughniyeh, Mohammad Javad. (N.D.). *Tafsir al-Kashif*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
- Makarem Shirazi, Nasser. (2001). *Example interpretation*. Dar al-Kotob al-Islamiyya. Tehran
- Qurtubi, Muhammad bin Ahmad. (1985). *Al-Jami Lahkam Al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow.
- Rashid Reza, Mohammad. (N.D.). *Tafsir al-Qur'an al-Hakim al-Shahir Tafsir al-Manar*. Beirut: Dar al-Marafa. [in Arabic]
- Sadeghi, Tehrani. Mohammad. (N.D.). *Al-Furqan in the interpretation of the Qur'an with the Qur'an and the Sunnah*. Qom: Farhang-e Eslami.
- Sadr al-Din Shirazi, Muhammad bin Ibrahim. (1987). *Tafsir of the Holy Qur'an*. Qom: Bidar.
- Taleghani, Mahmoud. (1983). *A ray of the Qur'an*. Tehran: Publishing Company.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1992). *Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an*. Qom: Ismailian.
- _____. (N.D.). *Al-Tawheed messages*. Beirut: Al Numan Foundation.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1993). *Al-Bayan Assembly in Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar. (1986). *Al-Kashaf on the mysterious facts of the descent and the eyes of the Aqawils in the faces of Ta'awil*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi. [in Arabic]

استناد به این مقاله: روحی برندق، کاوس، صدری، سحر، حاجی‌خانی، علی. (۱۴۰۲). تحلیل انتقادی رابطه عمل و پاداش عمل در جهان آخرت، از دیدگاه مفسران قرآن؛ با تأکید بر تفاسیر معاصرانه، فصلنامه علمی پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ۱۴(۵۲)، ۸۷-۱۱۰.

DOI: 10.22054/rjqk.2023.71139.2725



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.